



سازمان چریکهای فدائی

و وحدت جنبش کمونیستی

(مؤلف: مهندس و من سخن بو - مایور - من آثارهای آبرو)

توضیح:
مقاله شماره ۱۷ در مورد چریکها که در شماره اول از فروردین ۱۳۵۹ در شماره ۱۷ چاپ شد، مناسبت تعداد سال بود. ولی با توجه به اولویت و فوریت پرداختن چریکهای دیگر، عنوان مقاله‌ای مستقل موضوعیت خود را از دست داده است و ما بر حسب اولویت و مناسبت موضوعات مختلف، ریشه‌های را که آغاز کردند نمودیم در متن مطالب متعدد ادامه خواهیم داد.

سازمان به خورد اعضا و جوانان خود میدهد، قابل فهم سازد، نفس حیات سازمان را در برابر جناح سلط حاکمیت صدها حلقه و ساق گروه بازدارد در شمال حسن گویسی.

منظور بنامه از "حیات بودهای معنی و شخص" چیست؟ در سراسر قسمت اول که در اساسه انتخابات بطور محرا صورت می‌گیرد در کاره نمودن کردید. توضیحی برای "معنی و شخص" وجود ندارد.

حزبیکه بکار می‌گردد کاندیداها را حمایت نوده‌های معنی و شخص برخوردار باشد. و غیرممکن نماند بر "معنی و شخص" به صراحت معنی و شخص می‌کند که چگونه حمایت نوده‌های می‌بورد خطرات. آیا کمیت حمایت نوده‌های می‌بورد نظر اسب با کیفیت آن؟ معنی مثلا "اگر فلان کاندیدا بر تعداد" معنی و شخص" رای از سوی نوده‌ها تکیه داشته باشد تا در حمایت است با اکثر نوده‌های که کاندیدا می‌مفروضی رای میدهد.

موسساتی - ایدئولوژیک معنی و شخصی - داشته باشد؟

د ر صورت اول "معنی و شخص" شده است که "دیدگاه ایدئولوژیک" این رفتار حمایت از صاحب چه تعداد رای را بموا "معمار" اصل، نامد می‌کند و در صورت دوم بر "معنی اگر کمیت

می‌کند" در این حیات با عدم حمایت از کاندیداهای سازمانها و جریان‌های سیاسی در انتخابات پارلمانی کدامند؟ این تئورسین ها که خود را "ما کمونیستها" می‌نامند چنین پاسخ میدهند:

"م" اصل از هر چیز می‌بفهمد که مسئله حمایت واقعی می‌باشد. حقی و عملا "موتور خود" می‌گیرد و در وضعیت تعادل نیروها موتور واقع بود که کاندیداها از حمایت نوده‌های معنی و شخص (ساکد از "کار") برخوردار باشند.

این است اولس "معمار" اصل معنی که "دیدگاه ایدئولوژیک" به جندان منحصر بفرادین کمونیست های منحصر بفرادین که نصد دارند یک "حزب" منحصر بفرادین هم‌باز کنند! "آنها را نامد می‌کند".

بوضیحی که در اصولت این "اصل" داده می‌شود حسن است "کاندیدائی که فاند ساکاه نوده‌های است، هیچ تاثیر شخصی در سطح جنبش صد امیرالسی - دمکراتیک خلق به‌جا نخواهد گذاشت و در تنظیم روابط بین نیروهای نوده‌های وسعت و سوی آنان در جهت معنی و در رابطه با اهداف مرحله‌ای و استراتژیک می‌تواند مؤثر باشد!

این مقدمه‌چینی و ابداع "اصل" برای آن انجام می‌گیرد تا همچون یک آئینم، دولقمه، سنگین را که

در زوفاش بر بخشهای ستولانه و معهدانه" رفتائی که ستمکار از ائمه سازمان فدائی نگراشد در محضه برار گرفته‌اند اعتراف می‌کنند... که هر نوع عدم صراحت و ابهام گوئی در ابتداء حمایت از کاندیداهای سایر جریان‌های سیاسی فقط و فقط باعث سردرد کمی مردم خواهد شد.

سراسر بنامه بوضوح نشان می‌دهد که مخاطب آن به "مردم" و نه حتی کمونیستها بطور کلی، بلکه آن سخنی از اعضا و هواداران سازمان فدائی‌اند که به پیشنهاد احساس مسئولیت سازمانی خود در قبال طبقه کارگر و زحمتکشان و بر جنبش کمونیستی ایران، با دیده تردید به منی لبرائی - سازمان و مواضع گروه مدارانه، آن می‌نگردد، و همین تردیدهای سوال آفرین اعضا و هواداران صادق است که بنامه، آنها را بر در کمی مردم "می‌نامد. ایدئولوژیک - های سازمان فدائی پس از یکسال بر در کم کردن اعضا و هواران، اس بار سحاطر فشار فراسده" درونی، جاری‌های جز این نمی‌سند که اادای توضیحات و توجیهاتی - گریبان سازمان را از خطر شک و تردید فعالین (که در حقیقت نتیجه قابل پیش بینی سردرگمی ها و عدم اصولیت‌های یکساله، این سازمان است) برهاندند.

"آن معمارها و اصول معنی که "دیدگاه ایدئولوژیک" تئورسین های سازمان فدائی "آنها را تصدیق -

ساله همسرم سازمان به "حزب" معنی کلام بنامه "کار" و ۵۰ را به بررسی مستقل موقوف می‌کنم و در این بنامه به رسمتاری ها و تحمل نوازی های آن که ما نسبت به مسئله انتخابات انجام گرفته است می‌پردازیم.

تذکره - در نقل قولهای این بنامه بحر مواردی که شخصی شده‌اند، همه تا کماذ از نامت.

• • •

حکومت درک ببولیسی از "حمایت نوده‌های" جانشین عدم درک چریکی از آن مسود!

د ر ابتدای بنامه آمده است: "یکی از مهم ترین مسائلی که در انتخابات مطرح است، اعلام حمایت سازمانهای سیاسی مختلف از کاندیداهای سایر جریان‌ها است. در این میان ما کمونیست ها موفقم آن معیارها و اصول معنی را که دیدگاه ایدئولوژیک ما آن را تصدیق می‌کند به نحو صریح و روش ندویس کنیم و انستار دهیم."

تئورسین‌های سازمان فدائی که تصور می‌کردند تا نسبت "سز" گاو پلنگ" و ابهام گوئی میتوانند سردرگمی خود را از اعضا و هوا داران سازمان پوشیده دارند و با عدم صراحت خود، مانع طرح سؤالیهای صریح از سوی اعضا و هواداران شوند، اینک که سختی

فصل اول بنامه "ما در انتخابات نامد از کدام کاندیداهای حمایت کنیم؟ که نسبت جداگانه و حسن در شماره ۵۰ و بر قسمت دوم آن که در شماره ۱۹ سرمد" کار ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق صورت می‌گیرد، سندی است بر حسنه از انحطاطی تا کفشی که بر این سازمان شده است. این بنا به منظور عمده بر بحران حاکم سازمان در رابطه با مواضع آبرو - بونیستی آن، برای توحید سیاست سازمان در برابر حاکمیت و سیررسمه - جنسی و آماده سازی ادهان درون و سیرور سازمان برای تعمیر نام سازمان به "حزب" است.

ب نهایی کاندیداتولوک ها و تئورسین - های سازمان فدائی برای این توجیهات و رسمتاری ها و سیررسمه - سازی فضای مثبت درونی یافتند، ساله انتخابات پارلمانی است.

ب بحث بر سر حیات با عدم حمایت از کاندیدای این یا آن سازمان در بنامه مذکور گر چه عمدتا "بعضوان" محملی برای توحید حزب سازی آجانبانی بخدمت گرفته شده است، لیکن معیارهای ارائه شده در مورد انتخابات و نحوه برخورد با سازمانها و گروه‌های کمونیست و غیر آن نیز بخودی خود دارای سندیست بسیاری است در افتا! ایدئولوژیک حساب شده و سنجیده! ایدئولوژیکهای سر زهر برف کرده! سازمان چریکهای فدائی خلق.

رای داشته خود نظر شماست
گفت " معنی و مشخص " این
حفاظت بودهای از گاندیدای
مفروض ، سکوت گذاشته شده است ،
بهر حال لفظ " معنی و مشخص "
نگار گرفته نمود تا از نشان معنی
و مشخص گریخته شود !

گاندیدائی که فاقد پایگاه بودهای
است ، هیچ ضمانتو مشخصی در
سطح عقلی ضد امپریالیستی -
دیموکراتیک خلق نه جا نخواهد
گذاشت و در تنظیم روابط بین
نیروهای بودهای و صنعت و سوی
آنان در حیات معنی و در رابطه
با اهداف مرحله‌ای و استراتژیک
نمی تواند موثر افتد! - کدام
" ناموس مشخص " و در چه " حیات
معنی "؟ نه مشخص است و نه معنی
! این است حاصل آن اعتراف : که
" هر نوع عدم صراحت و ابهام
گوئی در اعلام حمایت از گاندیدا
های سایر جریان‌های سیاسی فقط
و فقط باعث سردرگمی مردم خواهد
شد ."

همه بدانیم که سازمان فدائی
نامعرفی و گاندیدا از خود و حمایت
از ۶۱ گاندیدای دیگر جای ده
اسم را در لیست ۳ نفره نمایندگی
نهران حالی گذاشته بود . حال ما
اراعضا و هواداران سازمان فدائی
سؤال می کنیم آیا در دفاعی که
صحنه‌اند با افزودن نام ده
گاندیدای حمایتی دیگر ، برگ -
انتخاباتی را تکمیل کنند ، یا چه
میباری عمل کردید؟ ما از شما
حواب نمیخواهیم ، فقط میخواهیم
حافظه شما را به شهادت بگیریم .
آیا بدینال نام گاندیداهائی نمی
کنستید که مطابق " معیارها و اصول
معنی " سازمان فدائی " از حمایت
نودهای معنی و مشخص برخوردار
باشند ؟ اگر این معیار را نادیده
گرفتید ، که مسئله دیگری است و
و قابل تأمل ، و اگر این معیار را
رعایت کردید ، برآستی چه درکی
از " حمایت نودهای معنی و مشخص "
داشتید ؟ یا تا معلوم بودن مقصود
از الفاظ " معنی و مشخص " ، شما
را دچار تلبکی و " سردرگمی "
نکرد؟ یا چه تفسیری از " معنی و
" مشخص " ، ده گاندیدای دیگر را

انتخاب کردند ؟ اینطور است چند صد
هزار رأی که تمام مجتهدین بازرگان
رنگه‌تخت جنگی رای شما بخداریان
و ملاگان نهران بود ؟ یا وی حمایت
نودهای داشت با دفاکتو و اگر دفاکتو ،
این حفاظت بودهای " معنی و مشخص "
نودها نبود و چرا ؟! چگونه در مورد
عین مشخصی ، معنی فرو ...

ی ک حوات قابل معنی سنی نه
سؤال اخیر وجود دارد که اینها
چون کمربل و حامی سرمایه‌داری
و استنفاند ، علم و عم کثرت آرا نشان
با از آنها حمایت نکردیم ، بنابر
خوب ، این منطق درستی است ولی
حواب سؤال فطری نیست که آیا این
کمربل‌های گاندیدای نهران همه
آرای خود را تنها از سرمایه‌داران
گست کرده‌اند ؟ آیا ماس تعداد
سرمایه‌دار در نهران وجود دارد یا
این کمربل‌های دلال امپریالیسم ،
از حمایت نودهای هم برخوردار
بوده‌اند ؟ و آیا حمیت حمایتی ،
حمایت معنی و مشخص " نودهاست
یا نه ؟!

! بدلولوگهای سازمان فدائی در
اندای سامنه گفتند : " در این
میان ما کمونیست‌ها موظفیم آن معیار
ها و اصول معنی را که دیدگاه اید -
تولوژیک ما آن را تصدیق می کنده
نحو صریح و روش ندوس کنیم و
انتساردهم ، . . ما در این مقاله -
خواهیم گوئیم معیارها و ضوابط خود
را در زمینه پشتیبانی با عدم
پشتیبانی از هر یک از جریان‌های
سیاسی در انتخابات ، مشخص طریتم ،
در احابت آن وظیفه کمونیستی و
این وعده است که رفا " میگویند "
معیارها و ضوابط خود را به نحو
صریح و روشنی ، مشخص سازند :
" مبارزه پارلمانی مبارزه‌ای است
بین صف مردم و دشمنان مردم (۱)
همانطور که گفتیم در این مبارزه ،
نوده " مردم شرکت دارند . شرکت
گاندیداهای جریان‌هایی که پایگاهی
در میان نوده‌ها ندارند در توازن
نیروها و در واقعیت مبارزه طبقات
و سیر مبارزه پارلمانی تأثیرات معنی

و مشخص نه جای نگذازد ."

ج بد نکته ، یعنی چند " معیار
و ضابطه " در این توضیح ، به " نحو
صریح و روشنی " مشخص " میشود .
اولاً " در هر جا که مبارزه‌ای
بین صف مردم و دشمنان مردم در -
گیر بود و در آن نوده مردم نیز
شرکت داشتند ، شرکت در این مبارزه
برای سازمان‌ها و افرادی که " پایگاهی
در میان نوده‌ها ندارند " ممنوع
است !

ثانیاً - سازمانها و جریان‌های
سیاسی ابتدا باید پایگاه نودهای
داشتند باشند و سپس در مبارزه‌ای
کننده " مردم در آن شرکت دارند ،
شرکت کنند !
ثالثاً " محقق میشود که " حمایت
نودهای معنی و مشخص " فقط معنی
کمیت و تعداد آرا است زیرا در
" دیدگاه ایدئولوژیک " کمونیست
هائی که " واقعیت مبارزه طبقات "
و " مبارزه " معنی و مادی طبقات "
را در پارلمان جستجو میکنند (!!)
" مبارزه واقعی میان گاندیداهائی
جریان خواهد یافت که در نهایت
نوده " مردم آگاهانه یا نا آگاهانه
به آنان رای دهند " . پس تعداد
آرا " سرنوشت مبارزه " واقعی ، معنی
و مادی طبقات " را میسازد !

رابعاً - پایگاه نودهای ، حمایت
ایجاد می کند ، مثلاً اگر جلع سلاح
گروه‌ها به هم میرسی گذاشته شود و
بنی صدر در این همه بررسی با
اکثريت قاطع بیروز گردد با این
منطق حمایت او نمی تواند مورد
تربند سازمان فدائیان خلق قرار
بگیرد ؟ پارلمانی که حزب نوده شیخ
صادق خلخالی ، مبرعضب جمهوری
اسلامی را کابضا " از حمایت نودهای
" معنی و مشخص " برخوردار بود
گاندیدای مجلس خبرگان کرد در
هر حال به حمایت نودهای از این
" نماینده " خرده بورژوازی " توجه
داشت . منطق این حمایت روشنی
است : زیرا که هم جناب بنی صدر
و هم خلخالی جلاد ، بدلیل داشتن
پایگاهی در میان نوده‌ها قادرند
" در توازن نیروها و در واقعیت
مبارزه طبقات و سیر مبارزه ، تأثیرات
معنی و مشخص به جای گذارند "

و چه کسی است که متگراسی نامتو
گذاری " معنی و مشخص " باشد ؟!
خبروران " رانگارگر " فراموش نگذاردند
و فراموشی نخواهند کرد که حزب
نوده یا نوسل نه چه " معیارها و
اصول معنی " مبارزه انقلابیون را
به سهانه " اینک " پایگاهی در میان
نوده‌ها " نشانند نخطه میگرد
لینک صورتی از اسلوب جریکی ،
حمایت تاریخی با همان انقلابیون
بدون پایگاه نودهای بودو هم اکنون
نرخ حمایت با انقلابیون است که
معتقدند رژیم جمهوری اسلامی با
تمام پایگاه نودهای اش یک رژیم مضع
مضع مردم نیست و همه آنهائی که
نموراس فکری می کنند در اشتباه -
اند .

ب نامه ، آجائی که میگوید " مبارزه
واقعی میان گاندیداهائی جریان
خواهد یافت که در نهایت نوده "
مردم آگاهانه یا نا آگاهانه به آنان
رای دهند " می افزاید : " (فرض
برای است که از با ننوات طبقات
رایج انتخابات بورژوازی چشم پوشی
شده باشد) ، البته در این میان در
شرایط دموکراتیک هم در بسیاری
موارد اقتنار وسیعی از نوده‌های مردم
بحد تأثیر تبلیغات عوام فریبانه
فراری می گیرند و به دنبال اجزایی
راه می افتند که علیه منافع آنان و
به سود سرمایه‌داران و ملاکین ، نه
سود دشمنان تاریخی و طبقاتی آن -
ها عمل می کنند . در برخی موارد
هم (عمدتاً " پس از کسب آگاهی
تاریخی ، طبقاتی) مردم به پایندگان
واقعی خود رای میدهند . "

آ چه در اینجا آمده معنی برای
که حتی در شرایط دموکراتیک هم
اقتنار وسیعی از نوده‌های مردم به
دشمنان اجزایی راه می افتند که علیه
منافع آنان عمل می کنند و تنها "
در برخی موارد (عمدتاً " پس از
کسب آگاهی تاریخی ، طبقاتی)
مردم به پایندگان واقعی خود رای
میدهند " در حالیکه حرف کاملاً "
درستی است ، ولی با این محاسبه
در بیانیه گنجانده شده است که
جوابگوی منتقدینی باشد که معتقدند

در معیارهای ارائه شده توسط سازمان
فدائی بگنجد حمایت تاریک گاندیدا
برای وی حفاظت ایجاد می کند و
برای رد چنین بوداقتی است که
اطهارات نوز جنس مشخص می گویند
" با این حساب جناحه مبارزه
معنی و مادی طبقات را در نظر
بگیریم آنچه حائز اهمیت است ،
بوضع سازمانها و نیروها در فضای
گاندیداهائی است که از حمایت
نودهای معنی برخوردار باشند ، "
(پس مقصود از " معنی " ، صف
و سوی " آنان نیست) معنی حرف
رفقای فدائی این است : آخا که
حتی در شرایط دموکراتیک اقتنار
وسعی از نوده‌های ترب خورده ،
از دشمنان تاریخی ، طبقاتی خود
" حمایت نودهای معنی و مشخص "
می کنند ، پس ای سا گاندیداهائی
که می توانستید از حمایت نودهای وسیعی
برخوردار باشید ولی دشمنان
نوده‌ها با سجد و توبه با نگار این
مطلب که نوده‌ها عمدتاً " پس از کسب
آگاهی سارسیخی - طبقاتی " از
سازندگان واقعی خود حمایت می
کنند ، بالاخره باید این نتیجه را
گرفت که برخوردار یک گاندیدای
حمایت نودهای ، نمیتواند حائز
اهمیت باشد و آنچه حائز اهمیت
است توضیح طبقاتی گاندیداست .

پس ترتیب کمونیست‌هایی که
" موفقتان معیارها و اصول معنی
را که دیدگاه ایدئولوژیکتان آن را
تصدیق می کنده نحو صریح و روشنی
تدوین کنند و انتشار دهند " ،
ایز نو بیست‌های آزاب در می آیند
که " ایدئولوژی آنها " از سوئی این
معیار و اصل را تصدیق می کند که
" قبل از هر چیز " برخوردار یک
گاندیدا از " حمایت نودهای معنی
و مشخص " شرط حمایت‌شان از او است ،
و از سوی دیگر این معیار و اصل را
تصدیق می کند که برخوردار از
" حمایت نودهای مشخص و معنی "
نمیتواند معیار و اصل حمایت از یک
گاندیدا باشد .

این ، نمونه‌ای است از " کوشش

ایدئولوژیهای مارکسیست سازمان چریکهای فدائی خلق در تروک نشود، همسنگی، عدم مباحث و اسهام گوئی، که گویا فرار است اعضا، و هواداران سازمان را از "سودرگمی" ترهاند! نسوهای ایورتونیستی که در آن، یک نظریه هم درست خوانده میشود هم غلط ناید بنوسله هم موافقین آن نظر را راضی کند هم مخالفین آنرا، و غیرتیم اینکه مدعی است به خطر "عدم مباحث و اسهام گوئی" واقف شده و درس آموخته است. باز هم ماهان چیری به جنگ بحران مرود که خود، منشا بحران است. سیاست "شتر گاو یلنگ"!

مناقضه میکنند تا این برداشتهای ایورتونیستی، نشاط که آنها را مناقضه یافتهاید. "ما کمونیستها" وحدت دیالکتیکی، اندو معیار **متضاد** (و نه متناقض) را در نظر داشتهایم، بدین معنی که باید هر دو معیار را توانا، در حمایت از یک گاندیدا منظور داشتیم، به بیان سادهتر، گاندیداهم باید بانگاه تودهای داننده باشد و هم "سخت و سویی" در جهات معین (؟) و در رابطه اهداف مرحلهای و استراتژیک مرود توجده باشد. (۲)

ما گروههای کمونیست باید برحسب **داد**، آنهام بپوشه در روابطی که خای ده گاندیدادر لیست سازمان فدائی خالی نباشد است؟

حلق، و حرکت در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر.

انگال این هدف در کجاست؟ آیا تشکیل حزب طبقه کارگر را هدف قرار دادن با هدف اساسی قرار دادن مرود افراد است؟ ابتدا این از مقدس ترس و اساسی ترس هدفیاست و ما با تمام خلوص و شعری خود از چنین هدفی پشتیبانی میکنیم لیکن آنرا هرگز یک هدف اختصاصی و انحصاری میدانیم. هدف تشکیل حزب طبقه کارگر هدف اساسی و عمومی چنین کمونیستی ایران است و به همین دلیل کسانی را که ناکون احزاسی برای خود دایر کردهاند قبول نداریم.

کردهاند، توضیح دهیم. این جریان ها را در سه دسته جداگانه مرود بررسی قرار میدهم: "واتگاه این سحربرانوا به ترتیب زیر نام می بود:

"اول - بیکار - خط ۲"، "دوم - سواه کارگر خط ۲" و "سوم حزب توده". (اینکه اولاً حزب توده را در درون جنبش کمونیستی داشتن و حتی بیکار از ریزوبسیم آن یاد نگردن نشانگر چه معیارها و دیدگاههای ایدئولوژیک - سیاسی است و ثانیاً بیکار و "راه کارگر" راه ردهای این حزب منطبق رویزب بود نیست آوردن از چه مودگرایی حساب شدهای حکایت دارد، بماند) ایدئولوژیهای سازمان فدائی از سودیگر همه طروقات قرار داشتن در درون جنبش کمونیستی را از این سدهسته، نفی می کنند و می خواهند ثابت کنند که هر سه این جریانهای که در درون جنبش کمونیستی قرار دارند، قرار داشتن جنبش کمونیستی، قرار دارند! و جنبش کمونیستی ملک طلق سازمان فدائی است.

فدای فدائی فکر همه چیز را کردهاند. از هر کجا که بخواهید راهشان را سد کنید، راه گریز دیگری دارند. شما اگر تمامی توحیفات محتملی را که تئورسین های فدائی میکر است بدان موصل شوید، بیض سبی کرده و حلق سلاحان کنید، حربه آخرویسار صد اولی راهمسنه در آسمن دارند و آن این حمله گوناگون دینی است که: "حرفهای ما را بحریف کردهاند!" و البته هر که هم از نیمه فراتر برفته و از بی اثبات اس "بحریف" برسی آند، چرا که خود بهتر از هر کسی میدانند اگر دست به انگار بزنند، تحریفگری خودشان بر ملا خواهد شد.

نات بی بانگی این توجده منبر چندان مشکل نیست و کافی است از طعمو "ترویح" سازمان فدائی بیرون آمده و قدم در فلمروی بگذاریم که در آن "مساله بطور مشخص مطرح است" (۳). ما یک نگاه به لیست انتخاباتی اس سازمان جد در تهران و جد در شهرهای دیگر به گاندیدا های مفردی بر میخوریم که فاقد "بانگاه تودهای" هستند و نیز به گاندیداهائی بر میخوریم که احتمالاً از حمایت معین و مشخص تودهای برخوردارند ولی "سخت و سویی" آنان جای گفتگوی بسیار دارد. به گاندیداهائی بر میخوریم که نه از نظر برخورداری از بانگاه تودهای و نه از نظر "سخت و سویی" طبقاتی - سیاسی، حتی در حور مقایسه با گاندیداهای سازمانها و گروه های کمونیست نیستند. ما مخالف حمایت از گاندیداهای مستغرد با غیر آن نیستیم و لیست انتخاباتی "راه کارگر" شاهد این حقیقت است، لیکن چیزی که بدنیال آنیم دست بایی با بهتر بگوئیم بر دمرداری از "معیارها و اصول معین" ایدئولوگ - های سازمان چریکهای فدائی خلق است، "معیارها و اصول معینی که دیدگاه ایدئولوژیکشان آنها را تصدیق می کنند. می خواهیم بدانیم بر طبق کدام "معیارها و اصول معینی" میتوان "آبت الله علی گلراده" غفوری را (نه که حمایت کرد بلکه) به گاندیداهای مثلا "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" یا "گروه نمرد برای رهائی طبقه کارگر" و دیگر سازمان

انگال این هدف در کجاست؟ آیا تشکیل حزب طبقه کارگر را هدف قرار دادن با هدف اساسی قرار دادن مرود افراد است؟ ابتدا این از مقدس ترس و اساسی ترس هدفیاست و ما با تمام خلوص و شعری خود از چنین هدفی پشتیبانی میکنیم لیکن آنرا هرگز یک هدف اختصاصی و انحصاری میدانیم. هدف تشکیل حزب طبقه کارگر هدف اساسی و عمومی چنین کمونیستی ایران است و به همین دلیل کسانی را که ناکون احزاسی برای خود دایر کردهاند قبول نداریم.

ایدئولوژیهای سازمان فدائی صفت هاست قصد دارند سازمان چریک های فدائی خلق را "حزب اعلام" کنند لیکن از آنجا که اعضا و هوا داران معیهد در فعال مصالح طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران اس "اعلام" فرمالیستی را چیزی جز تشکیل یک باصطلاح "حزب طرار نوس" دیگر (!) میدانند و در این خصوص چون و چراهای مستولاهای برجاسنه و "مراحمب هائی" ایجاد کرده اس برای رفع این موانع، ایدئولوژیهای سازمان فدائی مصلحت دیده اند در کنار اقدامات دیگری که برای دفع تر لازم است به ابضاح و اقباع اعضاو هواداران نیز بردارند و به این ترتیب "رابطه دهنی" (۱)

ایدئولوژیهای سازمان فدائی صفت هاست قصد دارند سازمان چریک های فدائی خلق را "حزب اعلام" کنند لیکن از آنجا که اعضا و هوا داران معیهد در فعال مصالح طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران اس "اعلام" فرمالیستی را چیزی جز تشکیل یک باصطلاح "حزب طرار نوس" دیگر (!) میدانند و در این خصوص چون و چراهای مستولاهای برجاسنه و "مراحمب هائی" ایجاد کرده اس برای رفع این موانع، ایدئولوژیهای سازمان فدائی مصلحت دیده اند در کنار اقدامات دیگری که برای دفع تر لازم است به ابضاح و اقباع اعضاو هواداران نیز بردارند و به این ترتیب "رابطه دهنی" (۱)

هر حال ما اینکه راه گریزهای متعددی میتواند در پیش پای نویسندگان این بیانیه و "معیار" سازمان سازمان فدائی وجود داشته باشد، ما یکی از آنها را بعنوان توجیهی مقدر بر معیارها و اصول مناقضه یاد شده در مورد انتخابات پارلمانی، مرود بررسی قرار میدهم و آن توجیه مقدر، این است که ما کمونیستها "نگفتایم تنها معیار حمایت از یک گاندیدا برخورداری وی از حمایت تودهای است و همچنین نگفتایم تنها معیار این حمایت، موضع ما در قبال گاندیدای مرود نظر است که بتوان نتیجه گرفت که با این معیار درست است یا آن یکی

ایدئولوژیهای سازمان فدائی صفت هاست قصد دارند سازمان چریک های فدائی خلق را "حزب اعلام" کنند لیکن از آنجا که اعضا و هوا داران معیهد در فعال مصالح طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران اس "اعلام" فرمالیستی را چیزی جز تشکیل یک باصطلاح "حزب طرار نوس" دیگر (!) میدانند و در این خصوص چون و چراهای مستولاهای برجاسنه و "مراحمب هائی" ایجاد کرده اس برای رفع این موانع، ایدئولوژیهای سازمان فدائی مصلحت دیده اند در کنار اقدامات دیگری که برای دفع تر لازم است به ابضاح و اقباع اعضاو هواداران نیز بردارند و به این ترتیب "رابطه دهنی" (۱)

ایدئولوژیهای سازمان فدائی صفت هاست قصد دارند سازمان چریک های فدائی خلق را "حزب اعلام" کنند لیکن از آنجا که اعضا و هوا داران معیهد در فعال مصالح طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران اس "اعلام" فرمالیستی را چیزی جز تشکیل یک باصطلاح "حزب طرار نوس" دیگر (!) میدانند و در این خصوص چون و چراهای مستولاهای برجاسنه و "مراحمب هائی" ایجاد کرده اس برای رفع این موانع، ایدئولوژیهای سازمان فدائی مصلحت دیده اند در کنار اقدامات دیگری که برای دفع تر لازم است به ابضاح و اقباع اعضاو هواداران نیز بردارند و به این ترتیب "رابطه دهنی" (۱)

ایدئولوژیهای سازمان فدائی صفت هاست قصد دارند سازمان چریک های فدائی خلق را "حزب اعلام" کنند لیکن از آنجا که اعضا و هوا داران معیهد در فعال مصالح طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران اس "اعلام" فرمالیستی را چیزی جز تشکیل یک باصطلاح "حزب طرار نوس" دیگر (!) میدانند و در این خصوص چون و چراهای مستولاهای برجاسنه و "مراحمب هائی" ایجاد کرده اس برای رفع این موانع، ایدئولوژیهای سازمان فدائی مصلحت دیده اند در کنار اقدامات دیگری که برای دفع تر لازم است به ابضاح و اقباع اعضاو هواداران نیز بردارند و به این ترتیب "رابطه دهنی" (۱)

ایدئولوژیهای سازمان فدائی صفت هاست قصد دارند سازمان چریک های فدائی خلق را "حزب اعلام" کنند لیکن از آنجا که اعضا و هوا داران معیهد در فعال مصالح طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران اس "اعلام" فرمالیستی را چیزی جز تشکیل یک باصطلاح "حزب طرار نوس" دیگر (!) میدانند و در این خصوص چون و چراهای مستولاهای برجاسنه و "مراحمب هائی" ایجاد کرده اس برای رفع این موانع، ایدئولوژیهای سازمان فدائی مصلحت دیده اند در کنار اقدامات دیگری که برای دفع تر لازم است به ابضاح و اقباع اعضاو هواداران نیز بردارند و به این ترتیب "رابطه دهنی" (۱)

تئورسین های فدائی چه "اهدائی" را دنبال می کنند؟

ببینیم دو هدفی که نویسندگان بنیابه دنبال می کنند چیست؟ در بنیانه گفته میشود: "این دو هدف عبارت است از حرکت در جهت تشکیل جبهه خلق، یعنی تقویت زمینه اتحاد عمل و همکاری نیروهای شرکت کننده در جبهه"

بنا بر این می نویسند: "بسیاری ما از گاندیداهای جریان های درون جنبش کمونیستی که فاقد بانگاه تودهای هستند بدین شرط درست بود که این پشتیبانی می توانست روی بپوشه، تشکیل حزب نانسر مثبت بر جای گذارد..." و همچنین: "در اینجا لازم میدانم رثوس مواضع خود را در مورد جریان های درون جنبش کمونیستی ایران که در مبارزه انتخاباتی ترک

بنا بر این می نویسند: "بسیاری ما از گاندیداهای جریان های درون جنبش کمونیستی که فاقد بانگاه تودهای هستند بدین شرط درست بود که این پشتیبانی می توانست روی بپوشه، تشکیل حزب نانسر مثبت بر جای گذارد..." و همچنین: "در اینجا لازم میدانم رثوس مواضع خود را در مورد جریان های درون جنبش کمونیستی ایران که در مبارزه انتخاباتی ترک

را بعنوان "حزب طراز نوسن طبقه کارگر" جازد، باید قبل از همه از سر آبهائی راحت شد که فرقی یک سازمان هفتاد جناحه را با حزب کمونیست درک می کنند و با تمام ضرورت جهت تشکیل یک حزب کمونیست منطبق بر اصولیت های مارکسیسم، سولنیدیم بافتاری خواهند کرد و نا ایدالاماد هم که شده، نخواهند گذاشت سازمان فدائی از سر مبارزه ایدئولوژیک در برود.

۵- رکنیسم: سازمان فدائی را در رابطه با مساله حمایت از کاندیداها در "کار" ۵۱ و ۵۲ بخواند خواهد دید که تئورسین های این سازمان برای تشکیل "حزب طبقه کارگر" در ایران، سه شرط قائلند و ما آنها را فرموله میکنیم:

- ۱- سازمان فدائی با نگاه نوده ای کست کرده باشد.
- ۲- سازمان فدائی از هرگونه انحراف سیاسی-ایدئولوژیک مبرا و تنها سازمان حامل مارکسیسم قلمداد شود.
- ۳- سازمانها و گروههای دیگر ("مدعی مارکسیسم") از عرصه روزگار محو شوند تا سازمان فدائی نه آنچنان مبارزه ایدئولوژیکي کنانده شود که هر دو شرط اول و زیر سوال و تردید بروند.

بنظر تئورسین های فدائی شرایط اول و دوم بحمدالله به کمال حاصل است، میباید شرط سوم در این مورد از سوئی این سازمان ها و گروه ها وجود دارند و از سوئی "صلحت" این است که وجود نداشته باشند. اما چگونه میتوان آنها را از واقعیت نادی حذف کرد؟ این کار البته ممکن نیست، پس دستکم باید کوشید که موجودیت آنها را در اذهان از بین برد و نام آنرا گذاشت ایجاد "رسمه های ذهنی تشکیل حزب"!!

ب- زعم این تئورسین ها، حذف سازمانها و گروه های کمونیست از اذهان، منوط به دست یافتن به

اهداف زبواست:

۱- تبلیغ این فکر که جنبش کمونیستی ایران در انحصار و در مالکیت مطلق فدائیان خلق است. برای اشاعت این ادعا اساس بر کمیت حمایت نوده ای گذاشته نمود. شکی نیست که اگر شعار اساسی این باشد، حزب جمهوری اسلامی از همه کمونیست تر است بویژه اگر کمیت کارگرانی را که بدین حال می کند، با سازمان فدائی مقایسه کنیم! برای تبلیغ فکر مزبور، خود بزرگمائی کافی نیست و باید کمونیشهای دیگر را کوچکتر از آن چه هستند جلوه داد و از این رو در عین حال که همه جا از آنها بعنوان "سازمانها و گروهها و جریانها" نام برده شده است، درست در باراکرافی که میخواهد این مقایسه کمی را به ذهن خواننده تحمیل کند، از آنها بعنوان "مخالف" یاد میکند!

"گاهی به جنبش کمونیستی ایران نشان میدهم که بروسه تشکیل حزب در ایران به هیچ وجه بدان صورت نیست که مخالف مارکسیست برآکنده به تدریج در یک ارگان، سراسری متشکل شوند و هر محفل در این میان همان وضعیتی را داشته باشد که دیگری دارد. اکنون این وظیفه بطور عمده بر دوش سازمان ما قرار دارد." (۴)

پس یکی از اهداف حاصل است. در ایران، هر چه هست، محفل های پراکنده است، محفل هایی که از دیدگاه کمیت حمایت نوده ای ("حمایت نوده ای معیرو مشخص") همان وضعیتی را ندارند که "ما" داریم و چون در معیارها و اصولی که ایدئولوژی "ما" کمونیستها "آنها" تصدیق می کند کمیت حمایت نوده ای است که حقانیت می آفریند (۵) پس جنبش کمونیستی منحصر به "سازمان" است.

هدف دوم، تلقین این فکر است که چون جنبش کمونیستی همانا سازمان فدائی است، پس "وحدت جنبش کمونیستی" چیزی جز وحدت و یگانگی سازمان فدائی نیست. هر

کسی که نخواهد به وحدت جنبش کمونیستی خدمت کند، باید در جهت این سازمان حرکت کند، با بواقع و خط منتهی آن مخالفتی نداشته باشد و با آنها مبارزه نکند و مبارزه ایدئولوژیک که مختل کننده "این" وحدت و یکدستی است معادرت نکند و سازمان نیز برای حفاظت "وحدت" موظف است از سر مبارزه ایدئولوژیک با "جریان های دارای گرایش های انحرافی در درون جنبش کمونیستی" در رفتن سعی کند آنها را "جریان های انحرافی" (و نه "دارای گرایش های انحرافی") و بر آن همه خارج از جنبش کمونیستی قلمداد کند که مبارزه ایدئولوژیک با آنها به "سود" جنبش کمونیستی نیست و حتی در رابطه با وحدت عمل نیروهای مختلف جبهه خلق و نیرو های ضد امپریالیست، حمایت از آنان یک خطای اصولی است (تا چه رسد به قرار گرفتن در یک بروسه وحدت با آنان!) و حمایت از آیت اللهها و بورژوازی بازار بر حمایت از آنان اولی تر است! و البته توجه "علمی" نیز وجود دارد:

"ما میگوئیم یک نگاه به واقعیت معنی، به ماهیت و مواضع و موقعیت نیروهای سیاسی نشان میدهد که ارگانی واقعی جبهه آینده در سراسر ایران (به جز در میان ملت ها) عبارتند از فدائیان و مجاهدین و سایر جریان هایی که اولاً "بیشتر مبارزه" ضد امپریالیستی را هدف عمده خود شمارند، و ثانیاً از لحاظ اصولی کمونیست ها و دمکرات های انقلابی را دو رکن این مبارزه بدانند و ثالثاً "در میان افشار خرده بورژوازی دارای موقعیتی باشند که عملاً" بتوانند در جهت اتحاد عمل افشار و طبقات خلق، نقش ایفا نمایند یعنی دارای پایگاه نوده ای باشند. حمایت ما از کاندیداها و سایر نیروها دقیقاً "با این معیارها

و ضوابط صورت گرفته است، درست به همان گونه که عدم پشتیبانی ما از سایر کاندیداها هم دقیقاً "بر همین مبنا بوده است."

فدائیان خلق از این مطالب تئورسین ها پستان چند تنحه باید بگیرند. یکی اینکه سفردینی که در تهران و شهرستانها نوده حمایت سازمان فدائی فرار گرفتند، پایگاه نوده ای داشتند! دوم اینکه سازمانها و گروهها و جریان هایی که از برای ای کست "یک موقعیت کاذب" دلمیل عدم حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق از کاندیداها پستان بخروم شده اند، پایگاه نوده ای نداشتند تا "عملاً" بتوانند در جهت اتحاد عمل افشار و طبقات خلق، نقش ایفا نمایند.

سومین تنحه اینکه آنها بصورت مبارزه "ضد امپریالیستی" را هدف عمده خود نمی شمارند و سرانجام این تنحه که از لحاظ اصولی، کمونیست ها و دموکرات های انقلابی را دو رکن این مبارزه میدانند و در هر سه این رسنه ها "معیارها و موازین" تئورسین های "مارکسیست سازمان فدائی، آیت الله گلراده" غفوری و حاج محمد شاهی نامیده بازار تهران را با کمونیستها و دمکرات های انقلابی هم "سمت و سو" بر تشخیص میدهد تا اس "مدعیان مارکسیسم" را "اهدائی" که تئورسین های سازمان فدائی سه دنبال آمدن تریق اس افکار و اس برداشته در اذهان است و به همین دلیل است که میسرند:

"... آیا اساساً "حمایت از اس با آن کاندیدا می تواند تائیری در رسیدن به اهداف خود به جای گذارد یا خیر؟" یا: "حمایت از سایر جریان های درون جنبش کمونیستی از چه نظر می تواند برای ما حائز اهمیت باشد؟" وجود چنین جواب میدهند:

"هرگاه این حمایت نتواند جنبش انقلابی خلق را در برابر خرده بورژوازی و پس گرا و جریان های بورژوازی و امپریالیستی تقویت نماید، هرگاه این حمایت نتواند به بروسه وحدت در جنبش کمونیستی و

کناند و چراغچه سردیم تا ستر دیگری هم به بار نیاورد وقتی این حمایت یک موقعیت کاذب برای نیروهائی که در حال حاضر برخلاف وحدت جنبش خلق و جنبش کمونیستی گام بر میدارند فراهم آورد، هرگاه این حمایت به دلیل سیاست های غلط آن جریان های انحرافی به وحدت عمل سوسیرو های ضد امپریالیست یا انقلابیون کمونیست آسیب رساند، قطعاً این سؤال مطرح خواهد شد که پس این حمایت برای چیست؟"

ب- لی، "با معیارها و اصول بعضی که دیدگاه ایدئولوژیک" ایدئولوژیک های فدائی "آنها" را تصدیق می کند، ما باید جناح مسلط حکومت ضد خلقی را ضد امپریالیست و جنبش انقلابی خلق را در برابر خرده بورژوازی و پس گرا و جریان های بورژوازی و امپریالیستی تقویت می نمائیم "در عین صورت خود، در صف آنها قرار داریم. ما باید به "وحدت" عمیقاً "لسموالی" و به نهایت درجه تنکند درون سازمان فدائی باری رسام و خط "بی حقی" آنرا "ماست مالی" کنیم و به طیفی از طیف های رنگارنگ فدائیان خلق درآیم تا بتوان گفت "به بروسه وحدت جنبش کمونیستی" و بیوند با طبقه کارگر ایران باری می رسام. "ما باید مصالح واقعی جنبش انقلابی خلق، جنبش کمونیستی و طبقه کارگر ایران را فدای مصالح گروه مدارانه "سازمان فدائی کنیم و نظیر همان (بقول خود فدائیان) "انحصار طلبان که عهرمی رند: "حزب، فقط حزب الله! فریاد بزنیم: "حزب، فقط فدائی!" تا بتوان گفت که بروسه تشکیل حزب را به بیرانه نمی کنیم.

ت- از مانی که ما وحدت خلق و جناح مسلط حکومت ضد خلقی را تبلیغ نمی کنیم، "بر خلاف وحدت جنبش خلق گام بر میداریم" و مادام که وحدت جنبش کمونیستی را در

شایستهٔ ایدئولوژیک میدانیم و نه در وحدت فلسفای بر محور توهم "فدائی". برخلاف وحدت جنبش کمونیستی کام بر ضدارجم و نازیستی که سازمان فدائی را از نابیند و نفیوت جناح مسلط حکومت ضد خلق (به بیان دیگر مبارزه با جناح دیگر این حکومت) برخوردار می‌شماریم و شعارش این دهمیم که: فدائی خلقی می‌تواند ضد امپریالیسم باشد و نباید اختلافات آنها را با "اصحی‌ها" به حساب مبارزه ضد امپریالیسم گذاشت، و مادام که منگوشم بجای دشمنان روی از منظر همین مبارزه ضد امپریالیسم نباید مبارزه اصلی ضد امپریالیسمی را از پائین دامن زد، این سیاست ما غلط و انحرافی است و به وحدت عمل سازمان نیروهای ضد امپریالیسم (یعنی بخشی از حکومت) با انقلابیون کمونیست (یعنی فدائیان خلق) آسیب می‌رساند، و سر انجام، نازیستیک ما نه از طریق حمایت از عوام فریبانی که مورد حمایت بوده‌های نا آگاهانند، بلکه از طریق اصولی و شمار سنگین و بر وجهت بر طولانی برارفا آگاهی بودیم و اناسی هر دو جناح رسوا و غیر رسوا حکومت ضد خلقی، به دنبال کسب حمایت نودهای هفتم و ارسنوه‌های بان قرض دادن حزب بوده نظیر جاب اغلابی‌های دعاو تما، تقلیدی کنیم و در یک کلام، مادام که کسب حمایت نودهای را نه از طریق کسب بر توهم نودها بلکه از طریق توهم زدائی دنبال می‌کنیم، المنتد و ضد البته از آن نوع حمایت نودهای که ماهیت و آینده آن بر ایمان "معنی و منحنی" است، برخوردار نخواهیم بود.

دلایل امپریالیسم دراز کردیم، مورد حمایت سازمان فدائی و یکی از طرفداران بنامیم، راه کارگر را برگزیده نامبرو، کارگر، از راهی که فدائیان نه آن گنایده می‌شوند منصرف است، اگر جنبش کمونیستی ایران همانا سازمان چریکهای فدائی خلق باشد ما به دلایل متعدد از این جنبش، منصرف و با آگاهی بنامین حقیقت مرکز انتظار نداشته و حتی احتمال نداییم که گنایدهای نامورد حمایت سازمان فدائی فرار کرد و نه تئوریسم‌های این سازمان در عدم حمایت از کاندیدای ما، کاپلا حق می‌دهیم، هم به دلیل "مبارها و اصول و مواظ" "علمی و ترویجی" شان، و هم بویژه به دلیل اینکه "بروسه" تعمیر نام سازمان به "حزب" را در پیش دارند و از این منصرفند که اگر امروز کاندیدای ما با دیگر سازمانها و گروه‌ها را منقحر به حمایت خود در یک مبارزهٔ دیوکارانیک کنند در واقع ایمان را بر صحت شناخته و تک بوقعیت کاذب" برایشان فراهم کرده‌اند و این کار نسیب خواهد شد که فردا موقع خوردن کیک حری، سرو کله اینها هم پیدا شود و ادعای سهم کنند! پس بهتر که همین انتخابات پارلمانی را بهانه‌ای برای محروم کردن آنان از این "موقعیت کاذب" قرار داد.

راه کارگر بسیار جو شوق است که از موقعیت کاذبی که حمایت سازمان فدائی می‌توانست برایش مبارز آورد، محروم گشته است زیرا "راه کارگر" نه سیاست حری به قدرت را بسته کرده است و نه قصد حزب سازی دارد تا بخواهد به بوقعیت‌های کاذب نیاز و تکمیلی داشته باشد. "راه کارگر" دنبال حمایت است نه موقعیت، و تنها، موقعیتی را می‌پذیرد که از حقانیت برخوردار.

فرد، که همان اهداف جنبش کمونیستی ایران است (۱) نرات و بواقع حمایت از کاندیداهای سازمانها و گروه‌ها و جریانهای "فدائی پارکسیسم" و "مدعی" ل، را کاپلا دقیق حساب کرده‌اند و "صلاحت" را بزرگ‌دانه کاپلا در جهت همین "صلاحت" است که (ما توضیح تره‌گی کسب‌های) مصرف باید که مهر باشد با بریک حریسان ابورئوسمی که قاعد با نگاه نودهای استنها نری که نه بار شایرد، نفیوت ابورئوسمی درون جنبش کمونیستی است.

اینکه "مصرف" بر ما عواقب برای "درون جنبش کمونیستی" (۱) دارد، که ایدئولوژیهای سازمان فدائی به صرفیت می‌خواهند مانع آن شوند کاپلا قابل درک است ولی اسکما با این خطر، خطر ابورئوسمی است با خطر دیگری است، بهر حال مصالح "درون جنبش کمونیستی" و حفظ وحدت منکی بدلیمرالمصم آن، جنبش انتصابی کند که اس خطر، خطر ابورئوسمی نماید نود، منخها این ادعا را باید بنوان به اعضا و هواداران فولاند و از آنجا که اغلب آنان (به هر دلیل) باید بدلیل مصالح "درون جنبش کمونیستی" نمیتوانند منصفیا از طریق جزوا و سرتبه "راه کارگر" با مواضع آن آشنا شوند، و طیفه "کمونیستی" تئوریسم‌های فدائی حکم می‌کند که آنچه را بنواند ابورئوسمی "راه کارگر" را انابت کند، از زبان "راه کارگر" و بعنوان مواضع آن به خورد رفتای فدائی بدهند تا با بدبینی طریق بنوانند ادعای برستگر را "قانع" کنند، (در دل دوست به هر حمله رهی باید کرد

طاعت اردست نباید، گنهی باید کرد!

دیده‌ایم ایدئولوژیک "کمونیست" فانی همچون تئوریسم‌های سازمان فدائی، "هدف" وسیله را نوسیه می‌کند.

روزی که داد دارد که بزودا جنبش به اجتهاد تئوریسم‌های بنامر مدتی سازمان فدائی بعنوان "مواضع" راه کارگر در کار شماره ۵۵ در بخش مشاورت رفتای فدائی کد انضباطی و سرتبه و شگرد حریاران "صدافت کمونیستی" آنان را اختلافی دیگر واکداریم.

زیربوس ها :

(۱) درک رفتای فدائی از مبارزه پارلمانی تنها یک فتره از نکرش‌های "حزب طبقه کارگری" است که رفتای می‌خواهند همین امروز و فردا بنامی آن را بالا ببرند. باید اسدوارباشیم که این "حزب طبقه کارگر" بنمونه "سلف خود (یعنی سازمان فدائی) اولاً در ارائه خطوط فکری و سازمانی خود حس، بحرح بدهد و ثانیاً هرروز موضع عوض نکند، تا معنای مبارزه پارلمانی را برای کمونیستهای ایرانی توضیح بدهد و "مردم را از سر در کمی" برهاند.

(۲) در قسمت دوم بنامه "ما در انتخابات از کدام کاندیدهاها حمایت کنیم" که در "کار" شماره ۱۵۱ سپرور پس از انجام انتخابات مجلس نورا جاب شده است کوشش شده که سوراخ سیمهای قسمت اول بنامه که سرو صدای آن در آمده بنوعی "بنمونه کاری" شود و در رابطه با معنی نامخص و نامعنی "حمایت نودهای مشخص و معنی" و برای رد این برداشت که منظور سازمان صرفاً "کمیت حمایت بوده است، ضمن توضیحی برامون "حبیه خلق" گفته شده است: "جبهه اتحاد عمل نوده" مردمی است که به آگاهی طبقاتی معنی دست یافته و ضرورت اتحاد عمل

حود را با طبقات دیگر حول خط منی و برنامه واحد ترک کرده‌اند. این موضع دانشس و عملی که رگه های اکونومیستی حود را نشان می‌دهد با آن نوصحنی که در قسمت اول بنامه منگفت خلق در شرایط دیوکارانیک انشار و سختی از بوده، فای فریب خوردن فدائیان تاریخی طبقاتی خود حمایت می‌کنند چندان صحواتی ندارند و علاوه بر این، با فطرت سازمان، معنی، با حمایت آریاساری از کاندیداهای منفرد با غیر منفرد بنامین نشان متعدد.

(۳) رجوع گنمد به مقاله "سازمان چریکهای فدائی خلق" یکی به نقل "در نطمع"، یکی به "سخ" در ترویح "راه کارگر" شماره ۱۴.

(۴) در این باره اگر دو نکته منفاص با کل ادعاهای بنامه وجود دارد، یکی "نارکسیست" دانشس این اصطلاح "محافل برانگنده" است، در حالیکه همه جا کوشش شده از آن بعنوان "مدعی پارکسیسم" نام برده خود و بنامبر از آن، حتی در حرکت بنمونه‌های انقلابی و برحقا و صدا سراسر بنامین سر محسوب گردید!

نکته دوم، و طیفه سنگین حزب را "نظور عمده" به دوش سازمان فدائی دانشس است که انهم از سوئی منفاص با روح بنامه است که سکود نامت کند معانی این و طیفه مطلقاً "مدوس سازمان فدائی است و از سوی دیگر اعتراف نامت حواسه ای است بر دیگروانی که دوسی برای کسیدن این و طیفه دارند.

(۵) کتاب مارکس نام "حک داخلی در فرانسه" باز اول با سراز فقط یک هزار سخه جاب شد (و جدا مدهاند چند نسخه آن فروتر شد!) این زمانی بود که بنسوده کتاب، داعیه رهبری انبراسوئال کموسی را داشت!

دفع، لوت کردن و ابورئوسمی و بنمودن است پس از شوه‌ها و واسطی در خور چنین هدنی سیر نمیتوان حدر کرد، زیرا که در

همه این حقایق را اصول داریم و طبیعی میدانیم که "دیده‌گاه ایدئولوژیک" ایدئولوژیهای سازمان فدائی "آنها را تصدیق" نکند و طبیعی ترمی دانیم که صاحب چنان دیده‌گاه ایدئولوژیک، از کاندیدای ما (حتی برای انتخابات پارلمانی) حمایت نکند زیرا که "راه فدائی" را انتخاب نکرده‌ایم که حتی اگر دست و دودت سوسی موزرواری لبرال

حمله به تحصن دیپلمه های بیکار اهواز

کارگران بیکار کرج : مبارزه ادامه دارد

دیپلمه های بیکار روز چهارشنبه و پنجشنبه اول و دوم اسفند ماه طی یک گرد هم آیی خواسته های خود را اعلام میکنند و به استانداری میروند . وقتی جوابی دریافت نمیکنند متفرقی میشوند و روز ششم دوباره در میدان راه آهن جمع میشوند سپس بطرف آموزش و پرورش میروند و آنجا تحصن میشوند . علت این تحصن اعتراض به تصمیم آموزش و پرورش سنی سازمان گرفتن برای استخدام بود . چون دیپلمه ها میکنند ۲۸ نفری را که میخواهند از طریق امتحان کردن استخدام کنید ، بگذارید ما با توجه به شایستگی که از وضعیت همدیگر داریم انتخاب کنیم و کسانی که از نظر مالی بیشتر در صیقل هستند استخدام شوند .

روز جمعه دهم اسفند ماه ، بدستال ۶ روز تحصن ، اربحاج با سمج نوده های ناآگاه به این تحصن خانمه داد . طراحان این نقشه فاشستی کپاوش (مدیرکل اداره آموزش و پرورش) ، عرصی (استادار) ، آیت الله موسوی حرابری و آیت الله حسینی (امام جمعه اهواز) بودند . عرصی و امام جمعه با استناد به این حملات که تحصن در شرایط فعلی حرام است و تکلیف منحصن را مردم باید متحصن کنند دست به تحریک مردمی که در نماز جمعه شرکت کرده بودند میزنند . و برای هرجه بهتر عملی کردن این نقشه آن روز بجای حسینیه اعظم ، نماز را در استادبوم نخعی که در مسیر اداره آموزش و پرورش قرار دارد برگزار میکنند . بعد از پایان نماز جمعه آیت الله حسینی خطاب به مردم میگوید :

امروز وظیفه شرعی خود را انجام داده اید و حالا نوبت اجرای وظیفه اجتماعی است برپدید و تکلیف این اوباشان را روشن کنید . حاکمان ، سرمایه داران و دشمنان خلق از ناآگاهی مردم این چنین استفاده می کنند آنها را برای ضرب و شتم بخاطر منافع حاکمان سمج می کنند و این چنین از احساس مذهبی مردمی ساده دل بیفج خودشان استفاده میبرند . پس از آن سخنان تحریک آمیز ، عده ای با شعار "آموزش و پرورش تخلیه باید گردد ، دیپلمه بیکار اخراج باید گردد" ، حرکت کردند . به محض رسیدن به اداره آموزش و پرورش آیت الله موسوی حرابری در اجرای قسمت بعدی برنامه شروع به سخنرانی و تحریک مردم به حمله کرد . حمله بلافاصله با سنگ شروع شد و به داخل سالن متحصن حمله بردند و آنها را مورد ضرب و شتم و فحاشی قرار دادند . این حمله کنندگان عمدتاً "فرمانده سپاه پاسداران و رئیس کمیته ها و پاسداران و عده ای از بازاریان بودند که با لباس سیدل چون گرگی در قالب میش بنام مردم بپوش میبردند . طی این حملات عده ای از منحصن را در حال زدن از اداره بیرون کردند و آنها را در میان صفی از کتک سوار ماشین پاسداران کردند . آنچه که بیش از همه در صحبت های مردم شنیده می شد ، سخنان بنی صدر بود که : "تکلیف منحصن و اعتصاب کنندگان را مردم باید روشن کنند . و این مردم نبودند که تکلیف روشن می کردند ، این پاسداران با لباس

سیدل ، وضاحت منحصن حکومت بودند که تکلیف یک عده جوان بیکار را که خواستشان فقط کار است با کتک زدن و فحاشی گردن روشن میگردند . اوضاع در حدود دو ساعت متشنج بود ولی مردم متدرج از اینکه صدقه دیدن حیوان دیپلمه اینگونه مورد ضرب و شتم قرار بگیرند برآشفند . کم کم بهمدیگر می گفتند که درست که این دیپلمه ها بیکارند و کار جوی نکرده اند ولی کار ما هم خیلی استناد بود .

مردم در طول تاریخ بارها و بارها ناست کرده اند که خیلی زود و خجسته به اشتباهات بی میروند . خیلی زود آگاه میشوند و این همیشه حکومتگران ضد خلق هستند که در "جیل مرگ ابدالدهر بنامند" . بالاخره عده زیادی از تحصن کنندگان ها را دستگیر کرده و به زمین کاربندی ، مقر پاسداران ، منتقل کردند . وقتی میخواستند منحصن دخن را آزاد کنند - که البته تحت فشار مردمی که جلوی مقر سپاه جمع شده بودند میخواستند این کار را نکنند - دخیرها حاضر نبودند بیرون ساید و خواستار آزادی همه زندانیان بودند . بالاخره دخیرها بیرون آمدند و همراهِ مردم بطرف محل زندان سرخسا (زمین کاربندی) راهپیمائی کردند .

شعار مردم این بار چنین بود : دیپلمه زندانی بیکار آزاد باید گردد . نوطنه کپاوش افتنا باید گردد .

تحریکات ضد خلقی حکومتگران و بازوهای مسلح و سرکوبگران آنان نمیتواند بیش از چند زمانی با جسداعنی مونر باشد . گرچه آنان مکارانه کلو باره می کنند که مردم **حمله کنید** ، خودشان تکلیف آنها را روشن کنید ! **بیکشدان** ، خودشان نصیم بکیرند ! **بیرسدان** ، اراده ، اراده شاست ! ولی در نهایت واقعا این مردم هستند که نصیم بکیرند ، نصیم بکیرند زندانی ها را آزاد کنند و حکومت های ضد خلقی را برکنون سازند . آگاهی زاری است که فقط در سینه خلق نهفته است و حکومتگران ضد خلق هیچگاه نمیتوانند به این زار دست یابند .

روز یکشنبه ۵۸/۱۲/۱۲ دیپلمه ها در فلکه سه دخیر باز گردیم می آیند و با شعار "آواکی آزاد است ، دیپلمه دریند است" ، بیکاری سرچشمه فساد است ، سرمایه دار فاسد عامل این فساد است ، در حالی که عده ای به آنها میبویسند بطرف استانداری رفتند و در آنجا قطعنامه ای خواندند . خواسته هایشان به شرح زیر بود :

- ۱ - بحاکمه کپاوش ۲ - آزادی نقد دیپلمه های زندانی
 - ۳ - محاربات آنهاست که درباره دیپلمه ها دروغ به مردم می گفتند (کپاوش مزدور از رادیو مردم را بر علیه دیپلمه ها تحریک میکرد و بیعت های ناروا به دخیران منحصن که اغلب همراهِ پدر یا مادرشان منحصن بودند میرد) .
 - ۴ - رسیدگی به خواسته های صنفی دیپلمه های بیکار .
- وبعد از خواندن قطعنامه برای دریافت جواب در روزهای آینده متفرق شدند .

بدستال تحصن جمعه روز ، کارگران بیکار کرج در اداره کاربانی و پایان دادن آن از حالت خود کارگران علت خصیهای سالکون قیام ، کار دیگر طبق فرار فلتی مسج روز سه شنبه ۶۶/۱۱/۱۱ کارگران در مقابل اداره ، کار احتجاج میکنند ولی با در سپاه حسنه اداره نواحه میشوند . آنها با دادن شعار "سحق وزارت کار - یک شکست برای سرمایه دار" شروع به تظاهرات خیابانی میکنند و عده از گذشته از حدین سخنان اداره ، کار بازگشته و با وسیلهای در دست را باز میکنند و وارد اداره میشوند . آنها فریاد میزنند : "کارگری بیوزر است ، سرمایه دار نابود است" . در این فاصله سپاه پاسداران در محل حضور داشته و عده ای دیگر از حسن پاسداران با لباس سیدل بیرون جمعیت شروع به تظاهرات میزنند .

در ساعت ۲ بعد از ظهر پاسداران آنها را ترک میکنند و جای خود را به گروه سپاه حاکمان میدهند . سپاه سپاه حاکمان میگفت : ما ما موریت داریم با خواسته های شما را به کپوش دیگران برسانیم . کارگران جواب دادند : پس چرا با الله آمده اید ؟ الله را زمین بگذارید ! و کارگران در حالیکه شعار میدادند : "کمیته پاسدار ، حق دخالت ندارد" همه آنها را از اداره بیرون رنجند .

در این میان سپاه ، وزارت کار توصیه کرد و پیشنهاد کرد که کارگران در جهاد سازندگی کار کنند و کارگران موافقت کردند و خواستار تعطیلی شدن خواسته های حق خود بودند . سپاه ، جهاد سازندگی بی خبری به اداره ، کار رد و گفت که جهاد سازندگی قول داده است تا سه ماه ضمانت کار کارگران را بکند . این قول فقط شامل حال کارگران ساده می توانست باشد .

در اواخر روز کارگران موجه یک پاسدار در میان جمعیت مشغول و او را سانسازی کرده و از او بازخواست میکنند . پاسدار بر سر حکم خود را شان میدهند که مأمور است کسانی که کارگران را "تحریک" میکنند با حکم دادستانی دستگیر کند . یکی از پاسداران کارگران برای آنکه جواب بداند کسی به این پاسدار داده بود که کارگران میگویند کارگران چه کسانی شما را تحریک می کند ؟ کارگران با عده ای بلند و در حالیکه سانسازی های زن و چهره های خود را شان میدادند جواب دادند : "اسپا زن و چهره های ما هستند که ما را تحریک میکنند ، کوسکی و بیکاری ، مرضی و فقر هست که ما را مبارزه میکنند . اگر خواهید سانسازی ما را سرید ، ما را هم سرید . ما را سانسازیها جدا کنیم" . پاسدارها در جواب گفتند : "ما برای خلق خود جان خود را فدا می کنیم و از مرگ باکی نداریم ."

در جریان این محصن کارخانه های پارس الکتریک ، ری ، او ، واک ، کفش لای و تعدادی از دستسازها و سر دیپلمه های بیکار کرج از سازمان کارگران سانسازی عمل آوردند . کارگران در جریان محصن شعار میدادند : "زن و چه گرفته سرسبز منمه ، دولت سرمایه دار حرف برین منمه ."

مرگ سر مردوران آمریکائی

احقاد ، احقاد ، کارگران احقاد